

آموختن دستور زبان فارسی با ترتیب آموختن زبان
 علت دشواری عربی اختلاف دارد و همانطوریکه لغات مأخوذه عرب
 فارسی نویسی از فارسی تابع دستور زبان عربی گردیده مثلا (توب)
 را (اتواب) جمع میکنند همانطور هم لغات مأخوذه
 از عربی در فارسی تابع دستور زبان فارسی گردیده مثلا اگر لغت علم بجای
 لغت دانش بفارسی آمده بجای تعلم علم آموختن گفته و نوشته میشود یعنی
 لغت عربی تابع دستور زبان فارسی شده است و همینطور است تغییر لهجه که حروف
 مخصوصه عربی (ث ، ح ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، ق) بترتیب صدای (س ، ه ، س ،
 ز ، ت ، ز ، الف ، غ) دارد اگر لغاتی مانند ، صد (عدد) با سد (حائل) در
 نوشتن فرق داشته باشد که آنها غلطی مشهور است در تلفظ هر دو با (سین)
 خوانده میشود و این اختلاف لهجه و همچنین اختلاف ترتیب جمله بندی فارسی
 و عربی بطوریکه هیچوقت نمیشود این دو دستور مختلف را با یکدیگر
 وفق داد ، بنا بر این اشکال عمده ای که نویسندگان فارسی دارند اینست که هم
 ناچار به دانستن مختصری از زبان عربی میباشند و هم ناگزیر هنگام جمله بندی
 فارسی باید از اختلاط طرز نوشتن عربی با طرز نوشتن فارسی پرهیز کنند و الا
 نوشته های آنها صورتی بخود خواهد گرفت که نه صورت فارسی دارد و نه عربی .
 بهمین جهت اکثر از فارسی زبانان که در سابق مغزشان آکنده از دستور
 زبان عربی بوده وقتی خواسته اند جمله ای را از عربی بفارسی ترجمه کنند
 صورت بسیار نامطلوبی را مانند عبارت (هر آینه و بدرستی که گفته بود مر شما
 را گفتن آنچه منی را ، الخ) بخود می گرفت ، برای اینکه نویسندگان گرفتار این طرز
 جمله بندی ناپسندیده نشود در عین حالیکه بواسطه آموختن زبان عربی در
 موقع عربی خواندن و نوشتن سبک مخصوص زبان عربی را باید پیروی کنند در موقع
 نوشتن عبارات فارسی ناچار است آن دستور را بکلی از مغز خود دور ساخته روش
 فارسی نویسی را در نظر بگیرد و انجام دهد و البته با این اشکال کمتر نویسنده ای
 است که هنگام نگارش دوچار لغزش و اشتباه نشود و اگر نشد باید قدر او را
 بسیار دانست .

علت
دیگر

چون فارسی و عربی باهم مخلوط شده و عرب مثلاًز ،
ض ، ظ را باختلاف ادا میکند البته برای او حفظ اختلاف
صورت این حروف و امثال آن در موقع نوشتن آسانتر
است ولی برای فارسی زبان که همه این حروف را یکطور تلفظ میکند در نوشتن
رعایت اختلاف هر يك از اینها در موقع منظور که میخواهد بقلم آورد دشوار
تر است و بسا از فارسی زبانان تحصیل کرده که پس از سالها هم شاید گاهی
در کتابت این حروف دوچار لغزش و اشتباه می شوند .

دشواری دیگر یکه فارسی زبانان دارند اینست که علامات فتحه و کسره
وضمه و جزم و تشدید را اگر چه دارند و میشناسند ولی رعایت این علامات
در موقع تحریر نشده و بنا بر این خواندن نوشته‌ها (جز بادالات قرینه و هوش
بسیار) بدرستی صورت پذیر نمیشود و غالباً باعث انحراف نویسنده در موقع نقل
مطلبی از موضوع اصلی مطلب و اشتباه خواننده در موقع خواندن نوشته‌ها میگردد
و غالب اختلافاتی که در نسخ مختلفه يك کتاب یا نوشته پیش می آید منبعت از این
اشکال است و برای بیرون آمدن از این دشواریها علاوه بر تحصیل ممتد هوش زیاد
و دقت بسیار لازم است .

برای اینکه خوانندگان گرامی از نظر متخصص این فن استحضار حاصل
نمایند اینک دنباله سخن را واگذار به استاد محترم دانشمند آقای همایون فرخ مینمایم
پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
احمد اخگر

برای رفع این اشکالات چند راه متصور است :

۱ - اختیار خط لاتینی با اصلاحاتی در آن ۲ - اختیار خطی جدید که
از روی خطوط موجود لاتینی و عربی اصلاحاتی در آن بعمل آورند که هر حرفی
فقط يك صدا بیشتر نداشته باشد و برای هر صدائی يك حرف یا علامتی اختیار کنند و
حرکات مختلف بطور کامل از هم جدا باشد و برای هر حرکتی حرفی اختیار کنند زیرا
خطوط لاتینی و عربی و همه خطوط منشعبه از این دوازده حرکت ناقص میباشند .
چه بسیار حرکاتی که در تلفظ هست ولی در خطوط لاتین و عربی علامات
یا حرفی برای آنها وضع نشده است .